

حقوق ما

ما از عدالت سهمی داریم

سال هشتم، شماره ۲۵/۲۲۵ مرداد ۱۴۰۳ / ۱۵ اوت ۲۰۲۴

حق تابعیت



در این شماره می‌خوانید:

تابعیت؛ حلقه اتصال هویت

مشکلات تابعیت کودکان دارای مادران ایرانی و پدر غیر ایرانی

تابعیت فرزند از مادر ایرانی

تابعیت و انواع آن؛ تابعیت فرزندان حاصل از ازدواج مادر ایرانی

سیستم‌های خاک و خون در تابعیت کشورها برای فرزندان حاصل

از ازدواج با یک تبعه خارجی

ما از عدالت سهمی داریم

دو هفته نامه الکترونیکی تخصصی حقوق بشر

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: سازمان حقوق بشر ایران / محمود امیری مقدم

سردبیر این شماره: مریم غفوری

تحریریه: طناز کلاهچیان، مصاحبه‌ها: سیروان منصور، علی اصغر فریدی

صفحه‌بندی: مهور خوش‌قدم

تماس با مجله: mail@iranhr.net

حقوق ما در ویرایش مطالب آزاد است!

یادداشت‌هایی که از روزنامه‌نگاران و اشخاص دریافت می‌شود نظر شخصی آنان است و دیدگاه مجله حقوق ما نیست.



طناز کلاهچیان

و تعهدات نسبت به دولت متبوع خود برخوردار می‌شود و متقابلاً دولت نیز مکلف به اجرای حقوق و تعهدات و برآورده نمودن نیازهای اساسی نسبت به فرد متبوع می‌باشد. تابعیت را می‌توان یک رابطه سیاسی، حقوقی و معنوی مابین شخص و دولت متبوع خود دانست. پیوندی که وابستگی بین فرد و دولت را به وجود می‌آورد و همین امر سبب می‌شود تا فرد از دولت متبوع خود نسبت به حقوق خود ذی‌حق باشد.

تابعیت بر مبنای خاک و خون اما آنچه ممکن است در این میان سبب بروز اختلاف شود، پذیرش سیستم‌هایی مبتنی بر خاک یا خون است. دو سیستمی که همواره به دلیل داشتن قوانین و اصول حقوقی خاص خود افراد را دچار سردرگمی می‌کند. در کشورهای که سیستم خاک را مبنای تابعیت خود قرار داده‌اند، فرد به محض به دنیا آمدن تابعیت آن کشور را دارا خواهد بود. بدین سان که مبنای صدور مدارک هویتی مبتنی بر تولد فرد در آن خاک تعیین می‌شود. در کشورهایی که سیستم خود را بر مبنای خون بنا نهادند، تابعیت فرد بر اساس ملیت یک یا هر دو والدین تعیین می‌شود. با نگاهی به اصل ۴۲ قانون اساسی به عنوان قانون مادر و همچنین قوانین موضوعه ایران بالاخص قانون مدنی (مواد ۹۷۶ لغایت ۹۹۲ که برخی از مواد طی سال‌های گذشته نسخ یا اصلاح شدند) و همچنین قانون «تعیین تکلیف تابعیت فرزندان حاصل از ازدواج زنان

بی شک یکی از دغدغه‌های بشر تامین نیازهای عاطفی و تداوم نسل است و اولین راهکار برای برآورده کردن این نیاز، پیمان ازدواج و رسمیت بخشیدن به این ارتباط است. اما همین مقوله به ظاهر ساده گاهی دارای پیچیدگی‌هایی می‌شود که علاوه بر زوجین، فرزند مشترک ناشی از این نکاح نیز با آن چالش‌ها مواجه می‌شود: آنگاه که دو فرد از دو تبار و مرز جغرافیایی دلباخته یکدیگر شده و فراتر از آنچه مرز و قانون مهم می‌شمارد خواهان رسمیت دادن به این پیمان می‌گردند.

و این پیمان آغازگر مشکلاتی برای زوجین بوده و در بسیاری موارد محرومیت از حقوق اجتماعی را در پی خواهد داشت. زوجین برای تامین حقوق اجتماعی خود نیاز به اثبات این واقعه دارند و درحالی‌که ثبت رسمی با جمیع شرایط مندرج در قانون صورت نگرفته باشد، از حقوق مرتبط با آن محروم می‌شوند.

اما تابعیت تعریفی بسیار گسترده و بعضاً پیچیده‌تر از آنچه در ذهن متبادر می‌گردد را شامل می‌شود و آن عبارت است از مجموعه‌ای از حقوق، تعهدات و تکالیف متقابل میان فرد و دولت متبوع. بدین سان که فرد متبوع از حقوق

تابعیت؛ حلقه اتصال هویت



ایرانی با مردان خارجی» مصوب ۱۳۸۵ که در خصوص موضوع تابعیت، چگونگی پروسه تحصیل تابعیت توسط بیگانگان و غیره وضع و به تصویب رسیده است، در می‌یابیم که ایران سیستم تابعیت بر مبنای خون را مورد پذیرش قرار داده است. در موارد بسیاری پذیرش این سیستم فرد بیگانه یا فرزند مشترک ناشی از از این نکاح را با مشکلات فراوانی روبرو می‌کند. از آن جمله‌اند: عدم افتتاح حساب یا نداشتن بیمه و حق کار برای تبعه بیگانه و برای کودک نداشتن مدرک هویتی، محرومیت از تحصیل یا امور پزشکی.

طبق ماده ۷ پیمان نامه حقوق کودک مصوب ۱۹۸۹ که جمهوری اسلامی ایران نیز در سال ۱۳۷۲ به آن پیوسته است؛

۱- تولد کودک باید بلافاصله پس از به دنیا آمدن او ثبت شود و کودک از بدو تولد از حق داشتن نام، حق داشتن تابعیت و تا جایی که ممکن است از حق شناختن والدین و قرار گرفتن تحت مراقبت آنان برخوردار است.

۲- کشورهای عضو اعمال حقوق مذکور را مطابق با قوانین داخلی خود و تعهدات ناشی از اسناد بین‌المللی مربوطه در این زمینه، به ویژه در مواردی که عدم اعمال این حقوق موجب بی‌تابیتی کودک شود، تضمین خواهند نمود و همچنین وفق ماده ۸ این پیمان نامه حق کودک برای حفظ هویت خود از جمله تابعیت نام خانوادگی را طبق قانون و بدون

مداخله غیرقانونی محترم می‌شمارد. با ملاحظه همین دو ماده از پیمان نامه حقوق کودک در می‌یابیم که جامعه جهانی تا چه میزان نسبت به هویت کودک و آنچه در آینده می‌تواند سبب بروز مشکلاتی از قبیل خشم فروخورده و عقده‌های ناشی از بی‌هویتی باشد تاکید نمودند.

اما این پیمان نامه که مورد امضای ایران قرار گرفته تا چه اندازه با قوانین موضوعه و داخلی در تداخل یا تناقض است؟

بحث آمره بودن ولایت پدر در حقوق خانواده و مدنی ایران تا حدی است که هیچ کنوانسیون و پیمان نامه‌ای توان مقابله با آن را ندارد. بدین معنا که اگر مرد ایرانی با هر زنی غیر از تبعه کشور متبوع خود پیوند ازدواج منعقد نماید، تمامی حقوق کودک (از جمله داشتن مدرک هویتی، تحصیل، امور پزشکی و کلیه خدمات اجتماعی) به واسطه ولی قهری بودن پدر برای کودک مهیا می‌شود. اما اگر زن ایرانی با مردی غیر از دولت متبوع خود پیوند نکاح امضا نماید، تمامی حقوق و تکالیف از فرزند مشترک سلب خواهد شد. آنچه چالش فرزندان حاصل از ازدواج مادر ایرانی و پدر غیر ایرانی را صد چندان می‌نماید، قوانین موضوعه‌ای است که بنابر سلیقه اعمال می‌گردد و یا اینکه در مواردی نیز به دلیل سکوت قوانین، هیات دولت به ناچار مصوبات و آیین‌نامه‌های اجرایی را در این خصوص مصوب و به وزارت امور خارجه ابلاغ می‌کند.

این در حالی‌ست که از نظر رتبه‌بندی قوانین

و قاعده اعمال آن در محاکم، آیین نامه‌ها و مصوبات از درجه اعتبار کمتری نسبت به قانون مصوب برخوردارند. در تاریخ ۳۱ اردیبهشت ۱۳۹۹ هیات وزیران آخرین آیین‌نامه اصلاح «قانون تعیین تکلیف تابعیت فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی» را به تصویب رساند. اما این مصوبه تا کنون مراحل قانونی و اجرایی شدن را طی ننموده و در حد یک آیین نامه باقی مانده است. شاید یکی از موارد اصلاح آن که بسیار بحث برانگیز است، تایید مقامات امنیتی (وزارت اطلاعات و سازمان اطلاعات سپاه پاسداران) نسبت به درخواست قبل از ۱۸ سالگی توسط مادر و پس از آن اشاره داشت. نظر این نهادها در خصوص اعطای تابعیت لازم‌الاتباع بوده، در حالی که مرجع امنیتی بنابر وقایع حاکمیتی، ملی و جهانی می‌تواند نظری کاملاً جانبدارانه و بدون ارائه دلیل و سند متقن ارائه نماید و از اعطای تابعیت به فردی جلوگیری کند.

حال باید این امر را از زاویه قضایی و حقوقی نیز بررسی نمود آن هنگام که فرد برای اخذ شناسنامه و تایید مدارک هویتی به هیات موضوع ماده ۴۵ قانون ثبت احوال مراجعه می‌کند و از این هیات نتیجه‌ای کسب نمی‌کند، تنظیم دادخواست با عنوان «ثبت واقعه ولادت و صدور شناسنامه» بهترین راه حل است. اما گاهی قضات در برخورد با این گونه خواسته‌ها قرار عدم استماع دعوا و ارجاع مجدد به هیات

موضوع ماده ۴۵ قانون ثبت احوال می‌نمایند. شاید بتوان بهترین نمونه از این آرا را یک رأی صادره از دادگاه تجدیدنظر استان اصفهان نامید. این رأی به درستی دستور الزام ثبت احوال به صدور شناسنامه و مدارک هویتی را صادر کرده؛ با این استدلال که هیئت موضوع ماده ۴۵ قانون ثبت احوال در مواردی صلاحیت دارد که در هویت یا تابعیت فرد تردید داشته باشد و چون فرد در ایران متولد شده است و بیش از سه دهه در ایران زندگی نموده است و تابعیت کشور متبوع پدر را نپذیرفته است نمی‌توان ایشان را خارجی محسوب نمود.

اما این قوانین از دیدگاه طرفداران حقوق کودک تبعیض آمیز بوده و به آینده کودکان صدمات جبران‌ناپذیری خواهد زد. کودکی که بدون داشتن حق انتخاب و اختیار از پدر غیر ایرانی و مادر ایرانی زاده شده، محکوم به عدم برخورداری از حقوق اولیه است. حق داشتن شناسنامه و هویت شناسایی حقی‌ست که تمام عهدنامه‌ها و پیمان‌نامه‌های حقوق کودک بر آن تاکید داشته‌اند و آن را از اولین و اساسی‌ترین حقوق یک کودک می‌دانند. قطعاً تبعات این بی‌هویتی محروم ماندن از حقوق اجتماعی، تحصیل، آموزش عالی و امور پزشکی است. کودکانی که می‌توانند آینده‌سازان آن جامعه بوده و بانیان رشد و بالندگی خود و کشور را مسبب گردند نباید از حقوق اولیه خود که همانا هویت است محروم بمانند.

ایرانی و نقش نهادهای امنیتی در تایید تابعیت این فرزندان، با «افشین جعفری» دانش‌آموخته حقوق، گفتگویی انجام داده است که متن کامل آن را می‌توانید در اینجا بخوانید.



علی‌اصغر فریدی

منظور از ازدواج شرعی بین زن ایرانی و مرد خارجی چیست؟

وفق بند دوم ماده یک آیین‌نامه قانون تعیین تکلیف تابعیت فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان غیرایرانی، ازدواج شرعی عبارت از ازدواجی است که مطابق قوانین ایران معتبر باشد، اعم از اینکه ثبت شده یا نشده باشد. با تعریف پیش‌گفته، می‌توان این طور برداشت کرد که اولاً فرزندان حاصل از ازدواج دائم و موقت به علت استفاده مقنن از لفظ ازدواج، به نحو مطلق امکان اخذ تابعیت را از این طریق دارند و در ثانی، ثبت یا عدم ثبت ازدواج از این حیث، فاقد اهمیت جهت تحصیل تابعیت هستند.

اگرچه این گزاره وجود دارد که در صورت عدم ثبت ازدواج، الحاق فرزند به والدین وی کمی با مشقت همراه خواهد بود، اما همین امر که قانونگذار، علی‌رغم رویکرد خود در قانون سابق، فرزندان حاصل از مادر ایرانی را به علت عدم ثبت ازدواج، محروم از اخذ تابعیت نکرده است، شایان امید است.

در آخر موضوعی که باید مورد عنایت قرار داد، اعتبار ازدواج والدین این فرزندان است، چرا که به موجب ماده ۹۵۰۱ قانون مدنی، زن مسلمان ایرانی نمی‌تواند با مرد غیرمسلمان ازدواج کند و این ازدواج باطل است و وفق ماده ۶۰۱ قانون مدنی، چنانچه زن ایرانی تمایل به ازدواج با مرد غیرایرانی داشته باشد، نیازمند کسب

تابعیت یک مفهوم اعتباری است که وابستگی یک شخص حقیقی یا حقوقی را به یک نظام سیاسی موسوم به دولت تایید می‌کند. تابعیت یک نوع وابستگی سیاسی را برای فرد در قبال جامعه ایجاد می‌نماید. ممکن است افرادی در جهان پیدا شوند که به دلایل مختلف سلب تابعیت شوند یا از ابتدا تابعیت هیچ کشوری را نداشته باشند که به آنها بی‌تابعیت یا «آپاترید» می‌گویند. اشخاصی که فاقد تابعیت باشند، معمولاً محروم از حقوق اجتماعی و سیاسی شمرده می‌شوند.

اخذ تابعیت از طریق سیستم‌های خاک و خون مرسوم است که،

سیستم خاک: سیستمی است که معمولاً کشورهای مهاجرپذیر آن را اعمال می‌کنند و هر کودکی که در سرزمین آن کشور متولد شود، صرف‌نظر از این که والدینش تابعیت کدام کشور را داشته باشند، به تابعیت کشور محل تولد درمی‌آید.

سیستم خون: کودکی که از پدر و مادر یا تنها پدر یا مادر دارای تابعیت آن کشور در هر نقطه‌ای از جهان متولد شود، به تابعیت کشور والدینش یا یکی از آنها درمی‌آید.

مجله حقوق ما، در مورد تابعیت فرزندان حاصل از ازدواج مادر ایرانی با مرد خارجی، مشکلات و مسائل پیرامون آن، آیین‌نامه تابعیت فرزند مادر

مشکلات تابعیت کودکان دارای مادران ایرانی و پدر غیر ایرانی



اجازه از دولت است و در صورت عدم کسب اجازه مخصوص، ازدواج آنها اعتبار کامل را دارا نیست.

آیین‌نامه قانون تابعیت فرزندان مادر ایرانی چه می‌گوید و مشتمل بر چند ماده است؟

این آیین‌نامه عموماً در خصوص چگونگی تعلق حق تقاضای اخذ تابعیت فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی، اشخاص صالح در تقاضای تابعیت، مراحل، روش‌ها و شرایط درخواست تابعیت، وظایف نهادهای سیاسی و اداری شمرده شده در این آیین‌نامه در زمینه وظایف محوله به آنها، وظایف نهادهای امنیتی و کنسولی در این خصوص و اقامت پدر خارجی، صحبت به عمل می‌آورد که این مواد در قالب ۴۲ ماده تعیبه شده‌اند.

آیین‌نامه مور دبحث، موجبات خرسندی و روشنی چراغ امید در دل هزاران فرزند حاصل از مادر ایرانی شده است که به علت موانع سابق از اخذ شناسنامه و به تبع آن، حقوق و هویت اجتماعی، محروم شده‌اند. تاکنون به موجب این آیین‌نامه، شناسنامه‌های قابل توجهی در اقصی نقاط کشور صادر شده است، اما متقاضیان از روند صدور شناسنامه، گلایه‌ای مبنی بر کندی آن دارند که این موضوع در استان‌های خراسان رضوی و سیستان و بلوچستان، بیشتر به چشم می‌آید. البته شایان ذکر است که بیشترین تقاضا را هم استان‌های مورد اشاره به ثبت رسانده‌اند.

باری، موضوعی که به شدت مورد نگرانی و برانگیختگی فعالان اجتماعی در حوزه حقوق زنان و کودکان شده است، وجود طرحی تحت

عنوان طرح «سازمان ملی مهاجرت» است، چرا که به موجب ماده ۱۴ آن، نسخ قانون و آیین‌نامه فعلی را رقم می‌زند و بدین صورت، تلاش‌های متمادی دغدغه‌مندان این حوزه را به یکباره به یغما می‌برد.

به صورت اجمالی، این طرح و کلیات آن در تاریخ بیست و دوم آبان‌ماه ۱۴۰۱ در قالب چهل و یک ماده به تصویب رسیده است و در صورت تصویب جزئیات آن، فرزندان موضوع این آیین‌نامه، دیگر امکان اخذ تابعیت را نداشته و در بهترین حالت می‌توانند اقامت‌های ده‌ساله دریافت کنند. ابتدا تلاش شد تا با تمسک به اصل هشتاد و پنجم قانون اساسی، از طریق کمیسیون‌های داخلی مجلس، طرح ملی اقامت اجرای آزمایشی شود، اما قاطبه نمایندگان، مخالفت خود را اعلام کردند.

چه کسانی می‌توانند طبق این آیین‌نامه درخواست شناسنامه کنند؟

افراد حائز شرایط اخذ تابعیت به دو دسته تقسیم می‌شوند:

گروه اول: فرزندان که از مادر ایرانی متولد شده‌اند و در زمان تقاضای تابعیت، کمتر از هجده سال شمسی دارند. این افراد، به وسیله تقاضایی که از سمت مادر ثبت می‌شود، این امکان برایشان میسر می‌شود تا پس از تأیید صلاحیت امنیتی و سپری شدن پروسه اداری آن، تابعیت ایران را کسب کنند.

گروه دوم: فرزندان که از مادر ایرانی متولد شده‌اند، اما تا پیش از هجده سالگی، توسط مادر خود تقاضای اخذ تابعیت ثبت نکرده‌اند. این افراد با گذر از هجده سالگی، مستقل و

مختار در تقاضای تابعیت ایران بوده و همچون گروه اول پس از تأیید صلاحیت امنیتی، پروسه اعطای تابعیت آنان آغاز می‌شود. در این باره باید خاطرنشان کرد که وفق اصول کلی حقوقی، اصل بر عدم وجود مشکلات امنیتی برای شهروندان هر کشور بوده و خلاف آن، نیازمند اثبات است.

ملاک تعلق فرزند به مادر ایرانی طبق قوانین و آیین‌نامه قانون تابعیت فرزندان از مادر ایرانی، چیست؟

مستند به ماده پنجم آیین‌نامه، تعلق فرزند به مادر ایرانی به دو طریق احصاء شده است: یکم: از طریق مراجع بهداشتی و درمانی داخلی که شامل بیمارستان‌ها، مراکز بهداشتی و درمانی که فرزند در آنجا متولد شده و گواهی معتبر دریافت کرده باشد.

دوم: فرزند در خارج از کشور متولد شده باشد یا گواهی معتبر از بیمارستان‌ها، مراکز درمانی و بهداشتی نداشته باشد که در این فرض به موجب رای قضایی محاکم داخلی یا خارجی، تعلق فرزند به مادر اثبات می‌شود.

برای تأیید تابعیت، نظر موافق کدام نهادهای امنیتی کسب می‌شود؟ پروسه تأیید تابعیت توسط این نهادها به چه صورت است؟

وفق ماده واحده قانون، تأیید صلاحیت امنیتی فرزندان حاصل از مادر ایرانی که با مرد خارجی ازدواج کرده‌اند، به دو نهاد وزارت اطلاعات و سازمان اطلاعات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، تفویض شده است.

بدین صورت نهادهای مذکور، مکلف به تشخیص صلاحیت متقاضی تابعیت و بررسی جوانب، از این جهت که متقاضی مشکل امنیتی نسبت به امنیت داخلی و خارجی کشور محسوب می‌شود یا خیر، را دارند. این نهادها ظرف سه ماه، باید نتیجه بررسی خود را اعلام کنند و چنانچه پاسخ استعلام نهادهای امنیتی منفی باشد، شخص، صالح به اخذ تابعیت معرفی نمی‌شود. این نتیجه، حسب مورد به استانداری یا نمایندگی سیاسی و کنسولی در خارج از کشور، اعلام می‌شود. پس از آن، رد متقاضی تابعیت، قابل اعتراض ظرف یک سال پس از اعلام عدم موافقت به وی خواهد بود و مرجع رسیدگی‌کننده به اعتراض، مجدداً مراجع امنیتی مورد اشاره خواهند بود که این مراجع در ظرف سه ماه، نتیجه اعتراض را اعلام خواهند کرد.

در این مرحله چنانچه مجدداً مراجع امنیتی، پاسخی منفی مبنی بر عدم صلاحیت متقاضی برای اخذ تابعیت را اعلام کنند، درخواست‌کننده می‌تواند ظرف یک سال درخواست تجدیدنظر خود را حسب مورد، به استانداری یا نمایندگی سیاسی کنسولی در خارج تقدیم کند. این مراجع در نهایت، بر اساس نوبت وصول تجدیدنظرها، اعتراض را در کمیسیون تابعیت وزارت کشور مطرح می‌کنند و کمیسیون با بررسی درخواست تجدیدنظر حداکثر ظرف شش ماه، پاسخ قطعی و نهایی را ارائه خواهد کرد.

موانع و مشکلات اصلی عدم اعطای تابعیت به فرزندان از مادر ایرانی، چیست؟ کدام دستگاه و نهادها متولی انجام این امور هستند؟ پروسه کلی

انجام این امر به چه شکل است؟

در خصوص بخش اول سوال مطروحه، می‌توان اذعان کرد که موانع و مشکلات متعددی در این زمینه به علت عدم همخوانی آیین‌نامه و قانون، در مرحله صحت ازدواج و اجرا وجود دارد. اما برخی از این مشکلات، پرننگ‌تر از سایرین هستند نظیر: وجود موانع قانونی ازدواج زنان ایرانی با مردان غیرایرانی غیرمسلمان و عدم اشراف به این امر توسط مادران ایرانی.

با توجه به گسترش مهاجرت طی سالیان اخیر، شاهد وقوع ازدواج زنان ایرانی با اتباع کشورهای خارجی هستیم، در حالی که قانون مدنی ایران وفق ماده ۹۵۰۱، این ازدواج را در صورتی که مرد خارجی، مسلمان نباشد، به صورت مطلق معتبر ندانسته و آن را باطل می‌داند که این امر موجب نگرانی‌هایی شده است. البته برخی از حقوق‌دانان نظیر دکتر لنگرودی، معتقد هستند در صورتی که مرد خارجی پس از ازدواج دایم و نه موقت، روی به اسلام بیاورد و مسلمان شود و زن نیز مسلمان باقی بماند، ازدواج معتبر مانده و از این حیث، رفع مشکل می‌شود که با توجه به اطلاق قانون مدنی، پذیرش این نظر، همواره توسط برخی حقوق‌دانان دیگر، محلی از تردید بوده است.

در مرحله بعد، به موجب ماده ۶۰۱ قانون مدنی، شاهد این مقرر است که ازدواج زن ایرانی با تبعه خارجی حتی در مواردی که منع قانونی نداشته باشد، یعنی مرد خارجی که مسلمان باشد را موکول به اجازه‌نامه مخصوص از سمت دولت کرده است. عدم کسب اجازه‌نامه موجب می‌شود که ازدواج زن ایرانی با مرد خارجی، دارای اعتبار کامل نباشد و یا به اصطلاح حقوقی «غیرنافذ»



باشد. این اجازه‌نامه، پروانه زناشویی نامیده می‌شود و مقام صالح در صدور آن، وزارت کشور است.

به طور کلی، هدف از ایجاد این ماده، حفاظت سیاسی از جامعه ایرانی و حمایت از زن ایرانی بوده است. اگرچه از زمان تصویب مقررات مورد اشاره، نود سال می‌گذرد و رویکرد دیدگاه حقوق‌دانان و سیاسیون به مقوله مهاجرت و ازدواج اتباع بیگانه با اتباع کشور مقصد، دستخوش تغییرات عمده‌ای شده است و امروزه این خطمشی که متعلق به نود سال پیش است، منسوخ گردیده است.

مورد بعدی که بزرگ‌ترین گلایه و مانع اجرایی آیین‌نامه و قانون محسوب می‌شود، کندی ناشی از بدعت‌هایی است که متولیان دستگاه‌های اجرایی در جهت خلاف قانون، آنها را مطالبه و اجرایی می‌کنند مانند: اضافه شدن شرط وجود مدارک اقامتی پدر غیرایرانی توسط دفتر کفالت اداره امور اتباع و مهاجرین خارجی، جهت تشکیل پرونده مقدماتی در استانداری محل تولد

متقاضی موظف است درخواست کتبی یا الکترونیکی خود را با اطلاعات کامل و ارایه مستندات اثبات نسب فرزند به مادر ایرانی را، به استانداری محل تولد یا اقامت مادر ایرانی دارای فرزند، ارایه نماید. پس از آن، استانداری مدارک هویتی را جهت تعیین اصالت مدارک و بررسی، به اداره ثبت احوال محل اقامت مادر ایرانی ارسال می‌کند و پس از تایید آنها، از مراجع امنیتی نیز استعلام امنیتی مربوطه را درخواست می‌کند. چنانچه فرزند دارای مشکلات امنیتی نبوده و مدارک هویتی وی نیز دارای مشکل خاصی نباشد، اداره ثبت احوال محل اقامت مادر ایرانی، موظف به صدور شناسنامه و کارت ملی برای فرزند حاصل از مادر ایرانی که با مرد خارجی ازدواج کرده است، می‌باشد.

بخش دوم متقاضی خارج از کشور، جهت ارایه درخواست اعلام تابعیت و تشکیل پرونده، به نمایندگی سیاسی و کنسولی کشور محل اقامت مادر، مراجعه می‌کند و پس از اینکه مرجع مذکور، اصالت مدارک هویتی مادر ایرانی و اسناد مربوط به ازدواج وی با مرد خارجی و تعلق فرزند به مادر ایرانی را احراز کرد، پرونده متقاضی برای دریافت مجوز صدور شناسنامه و کارت ملی، به وزارت امور خارجه و سازمان ثبت احوال ارسال می‌شود. در این مرحله، وزارت امور خارجه، با درخواست اظهارنظر امنیتی از نهادهای امنیتی مربوطه، نتیجه را ظرف سه ماه از آنها مطالبه می‌نماید و پس از کسب نتیجه مثبت و عدم وجود مشکل امنیتی، وزارت امور خارجه، مراتب را به نمایندگی سیاسی و کنسولی که از وی درخواست کرده بودند و در محل اقامت مادر ایرانی قرار داشت، اعلام خواهد کرد.

مادر ایرانی یا محل اقامت وی است، یا حذف شرط مهلت زمانی برای استعلامات امنیتی در آخرین شیوه‌نامه اجرایی که مطلقاً این امر خلاف قانون و آیین‌نامه آن بوده و تایید و صلاحیت متقاضی بایستی در زمان‌های مقرر در آیین‌نامه صورت پذیرد یا عدم ثبت ازدواج توسط زوجین که به تبع آن نسب فرزندان، نامعلوم می‌ماند که پیش از اقدام به اخذ تابعیت برای فرزندان حاصل از مادر ایرانی، لزوم اثبات نسب این فرزندان مطرح می‌شود و نیازمند انجام آزمایش‌های (دی.ان.ای) است که این موضوع، معضلی از لحاظ مالی برای خانواده‌های کم‌بضاعت فراهم می‌آورد.

و در آخر هم، پدیده مخالفت‌های درون‌دستگاهی، که ممانعت از اجرای قانون توسط آنها صورت می‌گیرد را می‌توان به موانع اساسی و کلی اعطای تابعیت تلقی نمود.

در خصوص بخش دوم و سوم سوال، بایستی پاسخ را به دو بخش تقسیم کرد:

بخش اول) برای شروع روند اعلام تابعیت،

تابعیت فرزند از مادر ایرانی



سیروان منصوری

تابعیت در اغلب کشورها بر اساس خون یا خاک است. در کشورهای مهاجرپذیری مانند آمریکا، این مهم بر اساس خاک است که یعنی هر فردی که در خاک آن کشور متولد شود، آمریکایی است. در ایران و اغلب کشورها، تابعیت بر اساس خون اهداء می‌شود که مستلزم ایرانی بودن پدر یا مادر است.

تا پیش از این، تنها در صورتی که پدر ایرانی بود به فرزند نیز تابعیت تعلق می‌گرفت، اما با رشد مهاجرت زنان ایرانی و ازدواج با افراد خارجی و افزایش تولد فرزندان حاصل از ازدواج زن ایرانی با مرد خارجی و با پیگیری و مطالبه جامعه مدنی، بالاخره در سال‌های اخیر، جامعه مهاجرین به خصوص مادران ایرانی و فرزندانشان تا حدی به حق خود که سال‌ها از آن‌ها دریغ شده بود، رسیدند.

مجله حقوق ما، در رابطه با بحث تابعیت فرزندان حاصل از ازدواج مادر ایرانی با مرد خارجی و مسائل پیرامون آن، با «علیرضا خیراندیش» وکیل دادگستری گفتگویی انجام داده است که در ادامه می‌آید:

پروسه کلی اخذ تابعیت ایران برای فرزندان حاصل از ازدواج مادر ایرانی با مرد غیرایرانی، به چه شکل است؟

با توجه به اصلاح قانون تعیین تکلیف تابعیت فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی مصوب مجلس شورای اسلامی، مادران ایرانی که دارای همسر خارجی هستند، از این به بعد می‌توانند برای فرزندانشان درخواست تابعیت و شناسنامه ایرانی بدهند. در این جا دو حالت پیش می‌آید: یا این خانواده مقیم ایران هستند یا مقیم خارج از کشور؛ در صورتی که مقیم خارج از کشور باشند، مادر ایرانی باید با یک سری مدارک مثل سند رسمی ازدواج شرعی، گواهی‌نامه تولد بین‌المللی فرزند، شناسنامه و کارت ملی هوشمند مادر، برای فرزند زیر ۸۱ ساله‌اش تقاضای تابعیت ایرانی کند.

اگر فرزند بالای ۸۱ سال باشد و مقیم خارج از کشور باشد، باید خود فرزند همین مسیر را طی کند و در این صورت از مادر کاری برنخواهد آمد. و روش کار به این صورت است که اول در سامانه «میخک» ثبت‌نام می‌کنند و از آنجا تقاضای خود را ثبت می‌کنند و سپس در کنسولگری و سفارت، کارشان را پیگیری می‌کنند. اما اگر این خانواده مقیم داخل ایران باشند و فرزند زیر ۸۱ سال باشد، مادر باید از اداره کل اتباع و مهاجرین شروع کند و در این سامانه درخواست می‌دهد. اگر فرزند بالای ۸۱ سال باشد، در این صورت، باید خود فرزند از اداره کل اتباع و مهاجرین،

پروسه را پیگیری کند، به سامانه وارد شود، مدارک را بارگذاری کند و روند پروسه را پیگیری کند. بعد از ثبت در سامانه، یک سری استعلامها لازم است که شامل نهادهای وزارت اطلاعات و سازمان اطلاعات سپاه پاسداران می شود که این دو مجموعه، استعلامات لازمه را می گیرند و اگر مورد تایید این دو مجموعه قرار بگیرند، درخواست شناسنامه شان مورد تایید قرار می گیرد که بعد از آن، وارد مرحله آزمون و سوگند و قسم پرچم و قرآن کریم و این موارد می شود. ولی در کل این مسیر برای داخل و خارج متفاوت است و اینکه فرد زیر ۸۱ یا بالای ۸۱ سال باشد و مادر برایش درخواست بدهد یا خود فرزند اقدام کند، درخواست دهنده متفاوت خواهد بود، وگرنه مسیر یکی است و حتی اگر این وسط، مادر برای فرزند ۷۱ ساله اش درخواست دهد و در این میان، فرزند به ۸۱ سالگی برسد، ادامه و پیگیری ماجرا را خود فرزند باید انجام دهد.

بر اساس این ماده قانونی، پاسخ به استعلام امنیتی، باید حداکثر ظرف سه ماه صورت بگیرد و امکان اینکه بیشتر از سه ماه زمان ببرد، وجود ندارد. در اینجا، نیروی انتظامی مکلف شده است که نسبت به صدور پروانه اقامت برای پدر غیرایرانی، در صورت نداشتن مشکل امنیتی که تشخیص آن هم بر عهده وزارت اطلاعات و سازمان اطلاعات سپاه است، اقدام کند.

طرح اصلاح قانون تعیین تکلیف تابعیت فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی، مصوب سال ۸۹۳۱ در مجلس شورای اسلامی چیست و چه مواردی را در بر می گیرد؟

این طرح تبدیل به قانون شده است و تاریخ پانزدهم مهرماه ۸۹۳۱ هم، جهت اجراء ابلاغ شده است. عنوانش «ماده واحد» است که تبصره های قانون قبلی که مصوب ۵۸۳۱ است،

شناسنامه ایرانی را تقاضا کنند که در صورت نداشتن سوء پیشینه و نداشتن مشکل امنیتی، تابعیت ایرانی شان پذیرفته می شود و می توانند شناسنامه دریافت کنند.

چه مدارکی از طرف والدین و فرزندان از مادر ایرانی، برای اخذ تابعیت ایران و دریافت شناسنامه لازم است؟

در صورتی که مادر برای فرزند زیر ۸۱ ساله خودش درخواست دهد، یا فرزند مذکور بالای ۸۱ سال باشد، این مدارک متفاوت است. در صورتی هم که داخل یا خارج ایران باشند، باز مسیرها متفاوت است. برای درخواست از

طرف مادر، مدارکی مانند اصل شناسنامه، کارت ملی هوشمند مادر، اصل سند رسمی ازدواج، اصل پروانه زناشویی، اصل گواهی تولد بین المللی فرزند، اگر مقیم خارج باشد، اصل کارت شناسایی معتبر و عکس دار فرزند بالای پانزده سال، اصل کارت اقامت معتبر مادر در خارج، اصل کارت شناسایی و عکس دار پدر خارجی (مثل شناسنامه، کارت شناسایی یا پاسپورت)، و یک سری عکس از خود پدر و مادر و خود فرزند لازم است که این عکسها باید، جدید باشند. در صورتی هم که خود فرزند اقدام کند، مدارکی که لازم دارد مثل موارد بالا است که ذکر شد، فقط باید اگر خارج از کشور است، داخل سفارت حضور پیدا کند و اقرارنامه نسبی بین مادر و فرزند در محل سفارت، ضمیمه

گردد. و این هم حتما باید در محل سفارت باشد و جای دیگری امکان پذیر نیست. البته منظور از سفارت، مراکز دیپلماتیک است که می تواند سفارت یا کنسولگری باشد. برای این درخواست هم، حضور والدین و متقاضی بالای ۸۱ سال در محل سفارت یا مراکز دیپلماتیک، لازم است و بدون حضور آنها، پیگیری و ادامه درخواست میسر نیست.

سازمان ملی مهاجرت چیست؟ اساسنامه آن مشتمل بر چند ماده است و چه افرادی با چه سمت هایی، عضو آن هستند؟

سازمان ملی مهاجرت، یک سازمانی است که دارای شخصیت حقوقی مستقل است و به عنوان یک موسسه دولتی، زیر نظر وزارت کشور تشکیل شده است و زیرمجموعه آن است. رییس آن معاون وزیر کشور است و با حکم مستقیم وزیر کشور هم منصوب می شود. این سازمان برای اجرای مصوبات شورای هماهنگی به منظور ایجاد مدیریت یکپارچه در سطح ملی، برای انجام یک سری وظایف و ماموریتها مانند: اجرای کلیه امور مربوط به اقامت، اشتغال، آموزش اتباع خارجی، اخراج اتباع خارجی، پذیرش اتباع خارجی، هدایت و نظارت بر اتباع خارجی، احداث و نگهداری مراکز نگهداری از اتباع خارجی، سازمان دهنده افراد متقاضی پناهندگی، و مواردی مانند آن



تکلیف فرزندان بدون شناسنامه از ازدواج مادر ایرانی، در قانون سازمان ملی مهاجرت ایران، مصوب ۱۰۴۱ به چه شکل است؟ بحث اقامت‌های سه‌ساله، هفت‌ساله و ده‌ساله به مهاجرین، به چه شکل است؟

در خود قانون سازمان ملی مهاجرت ایران، مصوب ۱۰۴۱، به طور اختصاصی به این مورد پرداخته نشده است، بلکه به قانون تعیین تکلیف تابعیت فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی

تشکیل شده است.

اساسنامه آن مشتمل بر ۲۴ ماده است. به منظور سازمان‌دهی مهاجرت، شورایی تحت عنوان «شورای هماهنگی مهاجرت» هم تشکیل شده است که اعضای آن شامل دو گروه اعضای اصلی و اعضای ناظر هستند. اعضای اصلی آن شامل: وزیر کشور، فرمانده نیروی انتظامی، دادستان کل کشور، رئیس سازمان برنامه و بودجه، وزیر اطلاعات، وزیر امور خارجه، وزیر کار، رئیس سازمان مهاجرت، رئیس بنیاد شهید، رئیس سازمان ثبت احوال، رئیس سازمان ثبت اسناد و املاک، معاون علمی و فناوری ریاست جمهوری، وزیر علوم، وزیر آموزش و پرورش، رئیس سازمان هلال احمر، معاون حقوق بشر قوه قضاییه و رئیس دانشگاه آزاد اسلامی هستند و اعضای ناظر آن هم عبارت هستند از: یکی از نمایندگان عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس، و یکی از نمایندگان عضو کمیسیون امور داخلی کشور است که این دو عضو ناظر هم به انتخاب مجلس شورای اسلامی است. این دو عضو را مجلس انتخاب می‌کند و به این اعضا اضافه می‌شوند و اعضای اصلی و اعضای ناظر با همدیگر شورایی تحت عنوان شورای هماهنگی مهاجرت را تشکیل می‌دهند که به اموری که قبلاً ذکر شد، رسیدگی می‌کنند که شامل حکم صادر کردن، صدور تبصره و ابلاغ آیین‌نامه در این موارد است.

این افراد، در صورتی که در این مرحله، موفق شوند و مورد تایید قرار بگیرند، از یک سری خدمات برخوردار می‌شوند که می‌توان از جمله به تحصیل، بیمه درمانی، اخذ گواهی‌نامه، اشتغال مجاز، رهن و اجازه، حساب بانکی و طرح دعوی اشاره کرد. اینها امتیازاتی است برای افرادی که اقامت سه‌ساله دریافت می‌کنند.

برای اقامت هفت‌ساله، تمامی مدارکی که در اقامت سه‌ساله ذکر شده است باید موجود باشد، به اضافه داشتن اقامت سه‌ساله، بیمه تامین اجتماعی، اشتغال رسمی، گواهی‌نامه خواندن و نوشتن به زبان فارسی، الزامی است. در خصوص افرادی که اقامت هفت‌ساله به آنها تعلق می‌گیرد، علاوه بر امتیازاتی که اقامت سه‌ساله دارد، امتیاز مالکیت و نقل و انتقال سند اموال منقول و غیرمنقول هم به آنها تعلق می‌گیرد.

در مورد اقامت ده‌ساله، تمامی مدارک اقامت هفت‌ساله را لازم دارد و شرایط اضافه‌ای ندارد، ولی افرادی که به آنها اقامت ده‌ساله تعلق می‌گیرد، تمامی حقوقی را که اتباع ایرانی دارند، به استثناء یک سری حقوق سیاسی، به آنها تعلق می‌گیرد. این قبیل حقوق سیاسی از جمله حق رای، انتخاب شدن تحت عنوان قوانین انتخاباتی، حق کاندید شدن، که این حق‌ها به آنان تعلق نمی‌گیرد.

با مردان خارجی و اصلاحیه آن، ارجاع داده است. اگر فرزند زیر ۸۱ سال باشد، مادر، و اگر بالای ۸۱ سال باشد، خود فرزند، باید متقاضی شناسنامه و تابعیت ایرانی شوند.

شرایط دریافت اقامت سه‌ساله عبارت است از: اثبات داشتن درآمد کافی، نداشتن سابقه محکومیت کیفری و تعقیب قضایی، داشتن اقامت‌گاه قانونی، پذیرش در مصاحبه حضوری، ادای سوگند وفاداری منافع جمهوری اسلامی و شرکت در کلاس‌های آموزشی است.

تابعیت و انواع آن؛ تابعیت فرزندان حاصل از ازدواج مادر ایرانی



سیروان منصوری

است که به نفع عموم جامعه بین‌المللی است که هر فردی دارای تابعیت باشد.

با توجه به تعاریف متعدد از تابعیت، در مجموع می‌توان گفت که تابعیت عبارت است از، تعلق حقوقی، سیاسی و معنوی شخص به یک دولت معین، که این رابطه بین دولت و فرد از دو طریق به وجود می‌آید:

طریق اول که تابعیت اصلی نام دارد که از آن تابعیت تولدی یا مبداء هم نام می‌برند و از ابتدای تولد هر فرد به وسیله دولت به وی تحمیل می‌شود و اشخاص مگر در موارد خاص، هیچ گونه اختیاری در رد یا قبول آن ندارند.

طریق دوم که تابعیت اکتسابی یا تحصیلی به معنای به دست آوردن است، که معمولاً به واسطه درخواست افراد و قبول دولت، اعطاءکننده تابعیت، منوط به شرایطی است که آن دولت تعیین می‌کند. برای ایجاد تابعیت اصلی، دو شیوه در جهان مرسوم و متداول است که عبارت هستند از: اصل خون و اصل خاک. اگر تابعیت افراد بر مبنای تابعیت والدین آنان مشخص شود، از اصل خون و اگر بر مبنای محل تولد آنان مشخص شود، از اصل خاک استفاده شده است. به تابعیت حاصل شده از اصل خون، تابعیت نسبی، و به تابعیت منتج از اصل خاک، تابعیت ارضی گفته می‌شود.

همانطور که گفته شد، تابعیت اصلی از طریق «سیستم خون و سیستم خاک» ایجاد می‌شود. برخی از دولت‌ها با بهره‌گیری از هر دو سیستم، به تعیین اتباع خود می‌پردازند، و مطابق اصل خون، تابعیت از راه نسب بدون توجه به محل تولد مادر، تابعیت پدر بر فرزند تحمیل و به همین منظور علمای

تعداد بالای افراد فاقد تابعیت حاصل از ازدواج شرعی ثبت‌نشده مردان خارجی با زنان ایرانی و تبعات فزاینده‌ای که این ازدواج‌ها در جامعه به وجود آورده است، در چند سال اخیر به شکل‌گیری پدیده بحران هویتی منجر شده که خود معلول عدم تعیین تکلیف تابعیت فرزندان مادران ایرانی از سوی قانونگذار در ایران است.

اگرچه در نگاه اول اعطای تابعیت برای چنین اشخاصی با هزینه‌هایی همچون استفاده از خدمات عمومی و شهروندی برای دولت همراه است، لکن جنبه انسانی و اخلاقی این قضیه مهم‌تر از دیگر جوانب آن است.

در این خصوص، مجله حقوق ما با «مسعود کلامی‌مقدم» وکیل پایه یک دادگستری و عضو کمیسیون حقوق بشر کانون وکلای خراسان، گفتگویی انجام داده است که در ادامه می‌آید.

تابعیت چیست و انواع آن کدامند؟

تابعیت، یکی از مهم‌ترین ارکان تعیین‌کننده هویت اشخاص در جامعه شمرده می‌شود. تابعیت، یکی از حقوق اساسی هر فرد است که دولت‌ها مکلف به رعایت و حمایت از آن هستند. راجع به این موضوع، به طور مستقیم در اصل ۱۴ قانون اساسی ایران به این حق بشری اشاره شده است. اصل ۱۴ می‌گوید: تابعیت کشور ایران حق مسلم هر فرد ایرانی است. بند ۱ از ماده ۵۱ اعلامیه جهانی حقوق بشر نیز اعلام می‌کند، هر کس حق دارد دارای تابعیت باشد. در مقدمه کنوانسیون لاهه مصوب ۰۳۹۱ نیز آمده

حقوق آن را تابعیت نسبی هم می‌گویند.

مسائل سکوت کرده است.

و طبق اصل خاک، تابعیت هر شخص تابعیت محل

تولد او است. تابعیت ارضی یا تابعیت اصلی ارضی

یعنی هر فردی تابعیت کشوری را دارد که در آن به

دنیا آمده است، هر چند پدر و مادرش تابعیت آن

کشور را نداشته باشند.

در بهره‌گیری از سیستم خاک، چون هر فردی الزاما

در محلی متولد می‌شود و آن محل نیز جزو قلمرو

کشوری محسوب می‌گردد، بنابراین چنانچه همه

کشورها این سیستم را بپذیرند، هیچ فردی بدون

تابعیت باقی نمی‌ماند. تولد در کشتی یا هواپیمای در

حال حرکت در دریای آزاد نیز از قاعده دولت صاحب

پرچم تبعیت می‌نماید.

در باره تابعیت اکتسابی باید گفت که این نوع از

تابعیت از راه ازدواج، تغییر تابعیت و تحصیل تابعیت

به دست می‌آید.

اصولا بعد از ازدواج اتباع دو کشور، باید تابعیت یکی

از زوجین بر دیگری تحمیل شود؛ به دلیل آنکه

در بسیاری از جوامع ریاست خانواده با مرد است،

لذا پس از عقد ازدواج، تابعیت مرد به زن منتقل

می‌شود.

درباره کسب تابعیت، ایران کدام سیستم تابعیت را پذیرفته است و روند آن به چه شکل است؟

در بررسی قوانین مربوط به تابعیت کشور ما مشخص

می‌شود که قانونگذار برای اعطای تابعیت اصلی

ایرانی به اشخاص، در ابتدا اصل خون را مورد توجه

قرار داده است و در بعضی از موارد اصل خاک را

با شرایطی پذیرفته است و در خصوص بسیاری از

* موارد به دست آوردن تابعیت ایرانی:

۱- از راه به کار بردن نظام خون یا نظام خاک که

مربوط به ولادت است.

۲- از راه ازدواج

۳- از راه پذیرش تابعیت دولت ایران

راه‌های به دست آوردن تابعیت دولت ایران در قانون

مدنی ماده ۶۷۹ به شرح زیر است:

* کلیه ساکنین ایران به جز اشخاصی که

خارجی بودن آنها مسلم باشد،

* کسانی که پدر آنها ایرانی باشد، اعم از اینکه در

خارج یا داخل ایران متولد شده باشند،

* اشخاصی که در ایران متولد، و پدر و مادر آنها

نامعلوم باشد،

* کسانی که از پدر و مادر خارجی در ایران متولد شده

باشند،

* زن خارجی که شوهر ایرانی اختیار کند،

* هر تبعه خارجی که تابعیت ایرانی تحصیل کند،

* کسی که از پدر خارجی در ایران متولد شده باشد

و بعد از سن ۸۱ سال تمام، یک سال در ایران اقامت

داشته باشد.

در خصوص ماده ۶۷۹ قانون مدنی نکاتی قابل

ذکر است، به طور مثال در بند دوم آن آمده است

که کسانی که پدر آنها ایرانی است اعم از اینکه در

ایران یا خارج متولد شده باشند در هر صورت ایرانی

محسوب می‌شوند. در این ماده صرف نظر از اینکه

در کجا به دنیا آمده باشند و چه از طریق مشروع

یا نامشروع به دنیا آمده باشند، صرف داشتن پدر

ایرانی، تابعیت ایرانی محسوب می‌شوند. بدون توجه

به نقش مادر، اشاره به مشروعیت فرزندان، بحثی قابل

تامل در قیاس با ماده‌واحد‌ای است که بعدا به ۸۴۳۱ و ۰۷۳۱ وجود دارد که آنها هم مربوط به ۵۵ سال و ۳۳ سال قبل می‌باشد. با این توضیحات،

در این بند، به طور دقیق سیستم خون اعمال شده

است و در هیچ کدام از بندهای دیگر و مواد دیگر،

مطلبی در مورد نقش و سهم مادر در تابعیت فرزند

دیده نمی‌شود؛ بنابراین به این نتیجه می‌رسیم که

سیستم و روش خون به روش مطلق، و فقط از پدر

اعمال می‌شود.

سیر تغییر وضعیت تابعیت فرزندان مادران ایرانی به چه شکل بوده است؟

مطالعات نشان داده شده است که بخش بزرگی از

فرزندان مادران ایرانی که با مرد غیرایرانی ازدواج

کرده‌اند، کودکان مرزنشینی هستند که از نظر

امکانات زندگی، تحصیلی و رفاهی در شرایط بدی

به سر می‌برند. اعطای تابعیت به این گونه فرزندان،

قدمی بزرگ در کم‌شدن تبعیض حقوق زنان و مردان

و همسانی میان شهروندی و رفع مشکلات قانونی

آنها بودهاست و نیاز جدی به اصلاح آن کاملا قابل

لمس هست. بنابراین تعیین راهکاری برای اعطای

تابعیت و یا اعطای برخی امتیازات ضروری مثل

داشتن شناسنامه ایرانی، می‌تواند به حل مشکل

کمک فراوانی کند.

مهمترین منابع قانونی که در خصوص بررسی

وضعیت تابعیت اعم از فرزندان زنان ایرانی حاصل از

ازدواج با اتباع بیگانه موجود است، مربوط به بخش

کتاب دوم قانون مدنی با موضوع تابعیت مصوب

سال ۳۱۳۱ است که از تصویب این قوانین تاکنون

۰۹ سال می‌گذرد و مربوط به نظام سیاسی قبل از

انقلاب است. البته در این بخش، اصلاحاتی در سال

۰۷۳۱ و ۸۴۳۱ وجود دارد که آنها هم مربوط به

۵۵ سال و ۳۳ سال قبل می‌باشد. با این توضیحات،

مواد ۶۷۹ تا ۰۳۰۱ قانون مدنی، مهم‌ترین مواد

مربوط به تابعیت تلقی می‌شود.

اما ابهام و اجمال قانون درباره تابعیت فرزندان

مادران ایرانی در قانون مدنی از یک سو، و برخی

مشکلات اجتماعی متراکم برای فرزندان حاصل

از ازدواج زنان ایرانی با اتباع عراقی و بیش از آن

مهاجران افغانستانی و در واقع مقتضیات زمان از

سوی دیگر، قانونگذار را به تصویب ماده‌واحد‌ای

در سال ۵۸۳۱ کشاند، اما ابهامات مفهومی و

مشکلات اجرایی این ماده‌واحد‌ه نیز سبب شد که

قانونگذار با تصویب ماده‌واحد‌ه جدیدی در سال

۸۹۳۱ ماده‌واحد‌ه سابق را نسخ کند.

قبل از اینکه ماده‌واحد‌ه مصوب ۸۹۳۱ را از نظر

بگذرانیم، لازم است اشاره‌ای به پیشینه این ماده

داشته باشیم:

آن گونه که از مذاکرات مجلس شورای اسلامی

و غیر آن به دست می‌آید، مشکل وجود پاره‌ای

ابهامات در قانون مدنی در خصوص تابعیت فرزندان

مادران ایرانی که موجب پیدایش روبه‌های متفاوت

در دادگاهها و نیز دفاتر ثبت ازدواج از یک سو و

کثرت وقوع ازدواج‌های بدون رعایت ماده ۹۵۰۱

قانون مدنی بین زنان ایرانی و مردان خارجی به ویژه

مهاجران عراقی و افغانستانی و در نتیجه افزایش

فرزندانی با مادر ایرانی و پدر خارجی یا غیرایرانی

که متقاضی دریافت تابعیت ایرانی بودند، شده

بود و حساسیت‌های منفی دولت نسبت به این

ازدواج‌های گسترده و نیز برخی مشکلات اجتماعی

متراکم برای فرزندان حاصل از این ازدواج‌ها،

مجلس شورای اسلامی را بر آن داشت تا در تاریخ ۲/۷/۵۸۳۱ ماده واحده‌ای را همراه با دو تبصره با عنوان «قانون تعیین تکلیف تابعیت فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی» تصویب کند که در تاریخ ۲۱/۷/۵۸۳۱ به تایید شورای نگهبان رسید، مصوبه‌ای که بیش از آن که تکلیف تابعیت تولدی این فرزندان را معین کند، آنان را به طور غیرمستقیم بیگانه فرض کرده است، اما به دلیل ایرانی بودن مادرشان، بیگانه ممتاز محسوب کرده و به همین جهت، کسب تابعیت ایران را حق آنان دانسته و خواسته است که راه کسب تابعیت ایران را برای آنان هموار و تسهیل کند.

با این همه، ماده واحده مزبور، نه تنها نتوانست مشکل تابعیت فرزندان مذکور را حل کند، بلکه خود به دلیل برخی اجمال‌ها و ابهام‌های مفهومی، مشکل‌ساز نیز شد. از این رو، دولت ماده واحده جدید و جایگزینی را در قالب یک لایحه در زمستان سال ۷۹۳۱ به مجلس شورای اسلامی تقدیم کرد که در نهایت، در مهر ماه ۸۹۳۱ به تصویب مجلس و تایید شورای نگهبان رسید.

متن ماده واحده «اصلاح قانون تعیین تکلیف تابعیت فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان غیرایرانی» به این شرح است: فرزندان حاصل از ازدواج شرعی زنان ایرانی با مردان غیرایرانی که قبل یا بعد از تصویب این قانون متولد شده یا می‌شوند، قبل از رسیدن به سن ۸۱ سال تمام شمسی، به درخواست مادر ایرانی، در صورت نداشتن مشکل امنیتی به تشخیص وزارت اطلاعات و سازمان اطلاعات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، به تابعیت ایران درمی‌آیند.

فرزندان مذکور پس از رسیدن به سن ۸۱ سال تمام شمسی، در صورت عدم تقاضای مادر ایرانی می‌توانند تابعیت ایرانی را تقاضا کنند که در صورت نداشتن مشکل امنیتی به تشخیص وزارت اطلاعات و سازمان اطلاعات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، اقدام کند.

تبصره یک: در صورتی که پدر و یا مادر متقاضی در قید حیات نبوده و یا در دسترس نباشند، در صورت ابهام در احراز نسب متقاضی، احراز نسب با دادگاه صالح می‌باشد.

تبصره دو: افراد فاقد تابعیت که خود و حداقل یکی از والدینشان در ایران متولد شده باشد، می‌توانند پس از رسیدن به سن ۸۱ سال تمام شمسی، تابعیت ایرانی را تقاضا کنند که در صورت نداشتن سوء پیشینه کیفری و نیز نداشتن مشکل امنیتی به تشخیص وزارت اطلاعات و سازمان اطلاعات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، به تابعیت ایران پذیرفته می‌شوند.

علی‌رغم اینکه در ماده واحده سال ۸۹۳۱ سعی شده است، به نابرابری جنسیتی در قانون مدنی و بحران بی‌تابعیتی فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان غیرایرانی پایان دهد، اما در عمل، اکثر مشکلات مربوطه را بی‌پاسخ و لاینحل، رها نموده است.

شرایط تابعیت فرزندان از مادر ایرانی

چیست؟

متأسفانه در سیر قوانین موضوعه ایران راجع به تابعیت مشاهده می‌شود که در قوانین ایران، ایرانی بودن مادر نه تنها از نظر خون، بلکه از نظر محل تولد هم تاثیری در تابعیت فرزند ندارد. طبق مواد ۷۸۹، ۷۸۹، ۹۵۰۱، ۰۶۰۱ قانون مدنی که مرتبط با یکی از عوامل تغییر تابعیت زنان یا مادران ایرانی نسبت به خود و فرزندانشان می‌گردد، ازدواج با مرد خارجی است. با توجه به این مواد می‌توان گفت قانونگذار سه حالت برای تابعیت زن ایرانی در ازدواج با مرد خارجی در نظر گرفته است:

اول: قانونگذار به محض این نوع ازدواج‌ها، تابعیت ایرانی را از زن نمی‌گیرد، دوم: هرگاه در اثر ازدواج، تابعیت مرد بر زن تحمیل شود، برای جلوگیری از تابعیت مضاعف، تابعیت ایرانی زن سلب می‌شود.

سوم: اگر زن در اثر ازدواج در انتخاب تابعیت خود دارای اختیار بود، در این صورت زن می‌تواند از این اختیار استفاده کند و تقاضای تحصیل تابعیت شوهر را دهد و از طرفی دیگر می‌تواند از وزارتخانه بخواهد که از تابعیت ایران خارج شود که وزارتخانه می‌تواند با بررسی جهات آن، با این پیشنهاد موافقت یا مخالفت کند. اگر زن از کشور متبوع همسر خود تقاضای تابعیت کند و از تابعیت ایرانی خود خارج نشود، دارای تابعیت مضاعف می‌شود و همچنین می‌تواند برعکس آن هم اتفاق بیفتد؛ بنابراین وضعیت تابعیت زن ایرانی با مرد بیگانه، بستگی به قوانین کشور متبوع شوهر دارد که وزارت خارجه برای شناسایی این گونه کشورها، لیستی تحت عنوان «تحمیلی» تهیه کرده است و کشورهایی که به زن اختیار انتخاب می‌دهد را به عنوان «اختیاری» فهرست‌بندی کرده است که با مراجعه به این دو لیست، مشخص می‌گردد که قانون کشور متبوع زن، اختیاری یا تحمیلی است. در عمل، با توجه به ورود بی‌رویه غیرقانونی و فرزندان حاصل از این ازدواج‌ها، به نظر می‌رسد مشکل اساسی کشورمان در این خصوص، ایرانیان با اتباع افغانستان است، چرا که اصولاً افغانستانی‌های وارد شده در ایران، فاقد مدارک قانونی هستند و برای اخذ پروانه زناشویی، فاقد مدارک معتبر هستند و به خاطر همین نقص، برای مجوز لازم ازدواج با زنان ایرانی، به وزارت خارجه مراجعه نمی‌کنند. اگر چه نمی‌توان گفت که این ازدواج قانونی محسوب نمی‌شود، به خاطر اینکه زوجین مجوزهای لازم برای ازدواج را کسب نکرده‌اند و یا بگوییم چون با مرد بیگانه ازدواج کرده‌اند، قانون آن کشور بر زن تحمیل و از تابعیت ایرانی خود خارج شده است. اما نتیجه این می‌شود که با توجه به قانون مدنی، فرزندان تا سن ۸۱ سالگی تبعه ایران محسوب نمی‌شوند و از بسیاری از حقوق خود محروم می‌شوند. این گونه ازدواج‌ها در خانواده‌هایی رخ می‌دهد که از نظر سواد و دانش، در سطح پایین‌تری قرار دارند و یا در روستاها و یا شهرهایی هستند که تعداد فرزندان زیاد بوده است.

در این خصوص، در رسانه‌های اجتماعی باید در خصوص این گونه ازدواج‌ها هشدار کافی داده شود و از سویی، جلوی ورود بی‌رویه اتباع خارجی به عنوان پناهنده گرفته شود. محرومیت‌ها و معضلات کودکان بی‌تابعیت: کودکان بی‌تابعیت از اساسی‌ترین حقوق شهروندی فرد بی بهره می‌مانند. ملیت آنها نامعلوم است و به

دلیل نداشتن شناسنامه، از داشتن حق تحصیل و اشتغال در سن ۵۱ سال به بعد، حق داشتن تامین اجتماعی، ارث و مالکیت محروم می‌مانند. طبق تحقیقات به عمل آمده، تعداد بسیاری از آنها بیکار یا در رده‌های پایین شغلی، مشغول به کار هستند و مهم‌ترین مانع شغلی آنها، نداشتن مدارک هویتی معتبر است. البته به نظر می‌رسد با گذشتن سن ۸۱ سال تمام هم مشکلات آنان همچنان باقی است، چراکه بهترین دوره سنی خود برای تعلیم و تربیت را از دست می‌دهند و هیچ گونه تدبیری برای آنها پیش‌بینی نشده است. این کودکان حتی پناهنده هم نیستند که در سازمان ملل، مورد حمایت قرار بگیرند.

انواع پیامدهای بی‌تابعیتی:

* پیامد اجتماعی مثبت: حضور مهاجران در کشور ما، فرصتی برای انتقال فرهنگ به کشورهای دیگر است و این گونه، فرزندان پس از بازگشت به کشور خودشان می‌توانند این آموخته‌ها را انتقال دهند.

* از دیگر پیامدهای اجتماعی که شکل منفی دارد، این است که می‌توان به بی‌سرپرست بودن اکثر این کودکان به خاطر ترک پدر و بازگشت به وطن و قرار گرفتن در معرض آسیبهای اجتماعی و استفاده ابزاری از کودکان بی‌سرپرست اشاره کرد.

اصل وحدت تابعیت در کنوانسیون اروپایی رفع هر گونه تبعیض علیه زنان: کنوانسیون رفع تبعیض، تابعیت را یکی از حقوق زنان دانسته و در این مورد به زنان حقوق مساوی با مردان اعطاء کرده و مقرر می‌دارد که در ازدواج با فرد خارجی، اصولاً تغییر تابعیت شوهر نباید تغییری بر تابعیت زن داشته باشد و لذا دولت‌ها در صدد تضمین جلوگیری از بی‌وطن

ماندن یا تحمیل تابعیت شوهر به زن می‌باشند؛ بنابراین کنوانسیون از نظریه استقلال تابعیت پیروی و تحمیل اجباری تابعیت شوهر را نفی کرده است. ماده‌واحد مصوب سال ۸۹۳۱ درباره ماهیت تابعیت فرزندان مادران ایرانی و راه‌ها، شرایط و تشریفات کسب تابعیت تحصیلی ایران و نیز آثار شخصی و خانوادگی، به شرح زیر سخن گفته است:

اولاً این نوع تابعیت، از نوع تابعیت اکتسابی است و نه تابعیت اصلی یا تولدی، ثانیاً: برخلاف تابعیت اکتسابی یا تحصیلی، به معنای بدست آوردن مذکور در ماده ۹۷۹ قانون مدنی، که حق مشمولان آن ماده نیست، بلکه صرفاً امتیازی است که دولت می‌تواند به آنان اعطاء کند و یا از اعطای آن خودداری ورزد، تابعیت تحصیلی اکتسابی ماده‌واحد سال ۸۹۳۱ حق فرزندان مادران ایرانی است.

راه‌های کسب تابعیت این ماده‌واحد برای برخوردار شدن فرزندان موضوع آن از تابعیت تحصیلی ایران، دو راه را در نظر گرفته است:

راه اول، راه غیرمستقیم و عاجل است که پیش از ۸۱ سالگی فرزند و به در خواست مادر حاصل می‌شود. راه دوم، راه مستقیم و عاجل که پس از ۸۱ سالگی و به در خواست خود فرزند، حاصل می‌گردد.

شرایط و تشریفات کسب تابعیت، نداشتن مشکل امنیتی، شرعی بودن ازدواج و رسیدن به سن ۸۱ سال تمام شمسی است و به استناد این ماده‌واحد، تنها شرط موافقت با درخواست برخوردارگی از تابعیت ایران، نداشتن مشکل امنیتی است که مرجع تشخیص آن هم وزارت اطلاعات و سازمان اطلاعات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی می‌باشد. البته از عبارت آغازین ماده، شرط شرعی بودن

ازدواج زن ایرانی با مرد غیر ایرانی نیز به طور ضمنی مستفاد می‌شود، بی‌آنکه مرجع تشخیص این شرط را به صراحت بیان کرده باشد.

در شروع ماده می‌گوید: فرزندان حاصل از ازدواج شرعی زنان ایرانی با مردان غیر ایرانی...، شرط شرعی بودن ازدواج زن ایرانی با مرد غیر ایرانی به طور ضمنی استفاده می‌شود.

ذکر این شرط با این عبارت، ماده‌واحد را با دو ایراد زیر مواجه می‌سازد:

الف) عدم تصریح به مفهوم موردنظر از عبارت ازدواج شرعی، مراد از مفهوم ازدواج شرعی اندکی مبهم است که آیا مقصود فقط ازدواج‌هایی است که مسلمانان بر اساس ضوابط اسلامی منعقد می‌کنند یا آن که مراد، مطلق ازدواج‌های مشروع است که هر قوم و ملتی و یا پیروان هر دینی بر اساس مقررات خود منعقد می‌سازند؟ یا آن که ازدواج جایز، صحیح و حلال در برابر ازدواج ممنوع باطل و حرام منظور است، با این وجود عدم تصریح قانونگذار به مراد، خود قابل انتقاد است.

ب) نادرستی شرط شرعی (مشروع) بودن ازدواج و مشروعیت نسب: در جای خود گفته شده است که در تابعیت بر مبنای سیستم خون، آن چه اهمیت دارد، وجود نسب طبیعی است و مشروعیت و عدم مشروعیت نسب حتی در اعطای تابعیت اصلی یا تولدی تا چه رسد به تابعیت‌های اکتسابی یا غیرتولدی، هیچ گونه اثر مثبت یا منفی ندارد. چنان که در تابعیت اصلی یا تولدی، بر مبنای نسب پدری به استناد بند ۲ ماده ۶۷۹ قانون مدنی مشروعیت نسب شرط نشده است. بند دوم ماده ۶۷۹ مقرر داشته است: کسانی که پدر آنها ایرانی است، اعم از اینکه در ایران یا در خارجه متولد شده باشند (تبعه

ایران محسوب می‌شوند). بر این اساس، ذکر شرط شرعی بودن ازدواج و مشروعیت نسب برای فرزند مادر ایرانی منطقی به نظر نمی‌رسد.

عدم رفع کلی مشکل تابعیت فرزند پیش از ۸۱ سالگی:

بر اساس ماده واحد مصوب ۸۹۳۱ نیز همچون ماده واحد مصوب ۵۸۳۱، مشکل تابعیت فرزندان پیش از ۸۱ سالگی به طور کامل حل نمی‌شود، زیرا اگر مادر ایرانی پیش از ۸۱ سالگی فرزند در خواست تابعیت ایرانی برای فرزند خود نکند، مشکل ابرهام و نامشخص بودن تابعیت ایرانی او همچنان باقی خواهد ماند.

بیگانه‌پنداری و در نتیجه اصلی ندانستن تابعیت: مهم‌ترین انتقادی که بر ماده‌واحد ها وارد است، این است که در عمل، فرزندان مادران ایرانی موضوع این مواد را بیگانه پنداشته است در حالی که اولاً، هیچ دلیلی عقلی برای اثبات ایرانی نبودن آنها وجود ندارد. ثانیاً، این بیگانه‌پنداری تعارضی آشکار با برخی دیگر از متون قانونی دارد، از جمله اصل چهل و یکم قانون اساسی، شبهه‌نگاه جنسیتی به تابعیت و محرومیت از مواهب تابعیت اصلی و اکتسابی ایران که در نقدهای آینده توضیح داده خواهد شد. در باب محرومیت از مواهب تابعیت اصلی و تابعیت اکتسابی ایران می‌توان گفت:

بیگانه محسوب شدن فرزندان مادران ایرانی و صرفاً برخوردارگی آنان از حق کسب تابعیت تحصیلی ایران از یک سو به محرومیت نابجای آنان از مواهب تابعیت اصلی ایران به دلیل اصلی نبودن تابعیت، و از سوی دیگر به محرومیت از مواهب تابعیت اکتسابی ایران در صورت عدم درخواست مادر تا پیش از ۸۱ سالگی می‌انجامد.

در باب ناسازگاری با دیگر متون قانونی می‌توان، به اصل چهل و یکم قانون اساسی اشاره کرد با این توضیح که:

اصل چهل و یکم قانون اساسی، برخورداری از تابعیت ایران را به طور عام و مطلق حق مسلم هر فرد ایرانی می‌داند، بدون آن که بین نسب پدری و مادری تفکیکی داشته باشد. پس همانطور که فرزند پدر ایرانی، مصداق فرد ایرانی است، همان گونه هم فرزند مادر ایرانی باید مصداق فرد ایرانی به شمار آید که در نتیجه برخورداری از تابعیت اصلی ایران، حق ذاتی او است. لذا، دادن شناسنامه ایرانی به این افراد از بدیهی‌ترین حقوق ایشان به شمار می‌رود.

تبعیض منفی ناروا و غیرمنطقی علیه فرزندان مادران ایرانی:

فرزندان مادران ایرانی متولد ایران که به استناد ماده‌واحدده بیگانه محسوب شده‌اند، در موقعیتی فروتر از فرزندان مادران خارجی متولد ایران قرار گرفته‌اند، که به استناد بند چهارم ماده ۶۷۹ قانون

مدنی ایرانی به شمار می‌آیند و این مصداق روشنی از تبعیض منفی ناروا و غیر منطقی علیه این فرزندان است. چگونه می‌توان پذیرفت طفل متولد در ایران که یکی از والدین خارجی او در ایران متولد شده‌اند، را تبعه اصلی ایران محسوب نمود، اما طفلی را که او نیز در ایران متولد شده و مادر ایرانیش نیز در ایران متولد شده است، دارنده تابعیت اکتسابی ایران محسوب نمود؟

شبهه‌نگاه جنسیتی به تابعیت:

به نظر می‌رسد تفاوت نسب پدری و مادری در

برخورداری فرزند پدر ایرانی از تابعیت ایرانی پدر به استناد بند دوم ماده ۹۷۹ و برخورداری فرزند مادر ایرانی از حق کسب تابعیت تحصیلی ایران که مستلزم عدم برخورداری او از تابعیت ایرانی مادر است، به استناد ماده‌واحدده مصوب ۸۹۳۱ اگر جنسیتی نباشد، دست‌کم از یک سو شبهه‌نگاه تبعیض جنسیتی را، که هم ناصحیح و هم برخلاف ارزش‌های حقوق بشری معاصر است، تداعی می‌کند و از سوی دیگر، دلیلی منطقی برای این تفاوت به چشم نمی‌خورد. پس منطقی آن است که فرزند مادر ایرانی همچون فرزند پدر ایرانی به دلائلی از جمله ۱- توجه به مقتضای حقیقت تابعیت بر مبنای سیستم خون ۲- مقتضای اصل چهل و یکم قانون اساسی ایران ۳- انطباق بیشتر با مقتضای فقه اسلامی و نهایتاً انطباق بیشتر با مقتضای ماده ۵۱ اعلامیه جهانی حقوق بشر و دیگر اسناد و توصیه‌های بین‌المللی، تبعه ایران محسوب شوند تا قانون ایران به تبعیض جنسیتی متهم نگردد.

انطباق بیشتر با مقتضای فقه اسلامی:

در نظام حقوقی اسلام، اصل اولیه در تابعیت تولدی بر اساس سیستم خون و نسب استوار شده است و در این جهت، هیچ یک از دو نسب پدری یا مادری بر دیگری ترجیح ندارد، به گونه‌ای که در صورت اختلاف تابعیت والدین، فرزند منتسب به طرفی است که تبعه دارالاسلام است. بر این اساس می‌توان گفت: فرزندی که یکی از والدینش ایرانی است، به استناد نسبش، ایرانی به شمار می‌آید، خواه پدر ایرانی باشد یا مادر.

انطباق بیشتر با مقتضای ماده ۵۱ اعلامیه جهانی

حقوق بشر و دیگر اسناد و توصیه‌های بین‌المللی: با وجود این که حتی در کشورهای غربی، قوانین بند یکم ماده ۵۱ اعلامیه جهانی حقوق بشر مقرر می‌دارد: هر کس حق دارد که دارای تابعیت باشد اگرچه مستقیماً و صریحاً از تابعیت بر مبنای نسب

مادری سخن نمی‌گوید، اما تأکید آن بر حق هر کس در داشتن تابعیت، مقتضی آن است که دست‌کم در صورت بی‌تابعیت بودن فرزند بر مبنای نسب مادری، از تابعیت دولت متبوع مادر برخوردار گردد، به‌ویژه اگر متولد در سرزمین همان دولت هم باشد.

نمونه دیگر بند ۲ ماده ۹ کنوانسیون امحاء کلیه اشکال تبعیض علیه زنان مصوب دسامبر ۸۷۹۱

است که مقرر می‌دارد: دولت‌های عضو به زنان و مردان در مورد تابعیت فرزندشان حقوق مساوی اعطاء خواهند کرد و بدین گونه برخورداری ساختن فرزند از تابعیت، بر مبنای نسب مادری را به طور مطلق و نامشروط به دولت‌های عضو توصیه می‌کند. یافته‌ها و نتایج پژوهش‌ها، نشان می‌دهد که منشاء نابرابری بین پدر و مادر ایرانی در انتقال تابعیت به فرزندان را می‌توان در به رسمیت شناخته نشدن ازدواج مادر ایرانی با تبعه خارجی از طرف دولت و نابرابری جنسیتی در انتقال تابعیت از مادر به فرزند دانست که رفع هر دوی این موارد، نه تنها با هیچ محذوریت شرعی همراه نیست، بلکه با روح شریعت اسلامی سازگارتر است.

چرا بین اعطای تابعیت ایرانی به فرزندان حاصل از ازدواج از مادر ایرانی، با دیگر کشورها این همه فرق وجود دارد؟ تنگناهای قانونی و احتمالاً فقهی در این زمینه چیست؟

از این تبعیض را مشاهده کرد.

با بررسی قوانین مرتبط با موضوع، این نتیجه به دست می‌آید که بزرگ‌ترین مانعی که برای انتقال تابعیت مادر ایرانی به فرزندش در قانون ایران وجود دارد، بند ۵ ماده ۶۷۹ قانون مدنی و ماده‌واحدده تصویب شده در سال ۵۸۳۱ است که به نحو نابرابری، میان پدر و مادر در انتقال تابعیت به فرزندان تفاوت گذاشته است.

با توجه به پژوهش‌های انجام‌شده برای نابرابری فعلی، نه تنها منشاء شرعی و اسلامی وجود ندارد، بلکه این امر بر اصول حقوقی در نظام‌های حقوقی «کامان‌لا» و رومی - ژرمنی منطبق بوده است که با گذر زمان، آنها نیز به ایرادات این قوانین پی برده و با اصلاح آنها، حقوقی برابر را در این زمینه برای پدر و مادر و فرزندان آنها به ارمغان آورده‌اند. لذا زمان آن فرا رسیده است که قانونگذار ایران نیز به اصلاح این نابرابری در قانون بپردازد و این تبعیض ناروا را که آسیب‌های آن بیش از هر کس دامنگیر کودکان می‌شود، از بین ببرد و با صراحتی همچون ماده ۸۱ قانون مدنی فرانسه، فرزند متولد از والدینی که یکی از آنها ایرانی است، خواه پدر یا مادر باشد، را ایرانی تلقی کند. این راه‌حل با تعهدات ایران در کنوانسیون حقوق کودک به ویژه ماده ۷ آن منطبق است. با این همه، به لحاظ مصالح عمومی این راه‌حل ترجیح دارد که در گام اول اصلاح قوانین موضوعه فعلی، حل مشکل تابعیت کودکان دارای مادر ایرانی که در ایران متولد شده‌اند، مقدم شمرده شود.

سیروان منصوری

آمده است، اما چون کشور ما سیستم خون را مورد پذیرش قرار داده است، این مادران رنج بسیاری برای شناسنامه‌دار کردن پسران و دختران خود متحمل می‌شوند.

در این رابطه، مجله حقوق ما با "دکتر سیده فاطمه مرادی" وکیل دادگستری و مدرس دانشگاه، گفتگویی انجام داده است که متن کامل آن در زیر می‌آید:

همانطور که می‌دانیم بسیاری از فرزندان حاصل از ازدواج مادر ایرانی با مرد خارجی، به علت نداشتن تابعیت و شناسنامه، اقامتشان غیرقانونی تلقی میشود؟ آیا اینان از حقوق و مزایایی در جامعه برخوردار هستند؟ حمایت دولت از آنان به چه شکلی است؟

قانون مدنی بین کسانی که تابعیت خود به خود و از ابتدا به آنها اعطاء می‌شود با کسانی که بعداً درخواست تابعیت می‌دهند، تفاوت گذاشته است. بر طبق ماده ۶۷۹ قانون مدنی، این افراد تابعیت ایرانی دارند:

* کسانی که پدر آنها ایرانی است (متولد ایران یا خارج از ایران)

* کسانی که در ایران، از پدر و مادر نامعلوم متولد شده‌اند،

* کسانی که در ایران، از پدر و مادر خارجی آنها که در ایران متولد شده‌اند، به وجود بیایند. یعنی پدر و مادر آنها ایرانی نیستند، فقط یکی از آنها در ایران متولد شده‌اند و خود فرد هم در ایران به دنیا بیاید.

بر اساس این ماده، سه گروه دیگر نیز ایرانی محسوب می‌شوند، یعنی آنان که بعداً به صورت اکتسابی تبعه ایران می‌شوند:

تابعیت از موضوعات احوال شخصیه بوده و عبارت است از رابطه سیاسی و معنوی، که شخص را به دولت معینی مرتبط می‌کند. هر فردی دارای تابعیت مشخص باشد، تبعه است و کسی که تابعیت هیچ کشوری را ندارد، بدون تابعیت یا "آپارتید" است. دولت‌ها به دو طریق تابعیت کشور خود را به افراد داده یا آن را تحمیل می‌کنند، یعنی سیستم اعطای تابعیت به دو صورت است: الف) سیستم خون ب) سیستم خاک،

سیستم خون: سیستمی است که در آن تابعیت از طریق نسب به فرزند منتقل می‌شود،

سیستم خاک: همان تابعیت ارضی است که از طریق محل تولد فرد مشخص می‌شود، یعنی هرکس در قلمرو هر کشوری به دنیا بیاید، تبعه آن محسوب می‌شود.

قانون ایران، سیستم خون را اعمال می‌کند و درباره تابعیت بعد از ازدواج مرد ایرانی با زن خارجی، روش وحدت را پذیرفته است. اما در مورد ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی، طبق ماده ۷۸۹ قانون مدنی، زن ایرانی پس از ازدواج با تبعه خارجی، به تابعیت ایرانی خود باقی خواهد ماند، مگر این که تابعیت مرد به زن تحمیل شود.

وضعیت حقوقی فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی، مساله‌ای است که از سالیان دور، مشکلات بسیاری را برای شناسنامه‌دار کردن آنها، مسائل تحصیلی و برخورداری از هرگونه حقوق شهروندی به وجود می‌آورده است.

سال‌ها است که مادران ایرانی که با مردان خارجی ازدواج کرده‌اند، غم هویت فرزند خود را دارند. فرزند آنها از مادری ایرانی است که در ایران به دنیا

سیستم‌های خاک و خون در تابعیت کشورها برای فرزندان حاصل از ازدواج با یک تبعه خارجی



الف) کسانی که در ایران، از پدر خارجی متولد شده‌اند و بعد از ۸۱ سالگی درخواست تابعیت ایران را دارند،

ب) هر زن تبعه خارجی که با مرد ایرانی ازدواج کند (پ) هر تبعه خارجی که تابعیت ایران را کسب کند بنابراین مشاهده می‌کنیم که قانونگذار، در قانون مدنی صراحتاً از اعطای تابعیت به پسر یا دختر مادر ایرانی نامی نبرده است و همین موضوع، مشکلات زیادی را برای این گروه به وجود آورده بود. بنابراین، آنچه که ملاحظه می‌شود، این است که تابعیت در ایران از طریق نسب پدر قابل انتقال است و انتقال تابعیت از طریق مادر ایرانی به فرزند به صراحت در قانون ذکر نشده است.

در طی سالیان، مادران ایرانی که با مردان خارجی ازدواج می‌کردند، با فراز و نشیب‌های متعددی روبرو بودند، گاهی موفق می‌شدند برای فرزندان خود شناسنامه بگیرند و گاهی حتی حاضر می‌شدند رابطه نامشروع را ادعا کنند تا به هر وسیله‌ای برای فرزند خود شناسنامه بگیرند. هر چند در این سالها، دوبار توسط اداره حقوقی قوه قضائیه، نظر حقوقی مبنی بر بی‌اشکال بودن گرفتن شناسنامه ایرانی برای فرزندان که مادر آنها ایرانی و پدر تبعه خارجی است، صادر شده است، اما از آنجا که این نظریات جنبه الزام‌آور نداشتند و صرفاً مشورتی تلقی می‌شدند، نتوانستند راه‌حلی برای گرفتن شناسنامه توسط مادران باشند. اگرچه، سال ۸۹۳۱ قانون تعیین تکلیف تابعیت فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان غیر ایرانی تصویب شد. بر اساس این قانون، فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان غیر ایرانی، قبل از رسیدن به سن ۸۱ سالگی، به درخواست مادر ایرانی و در صورت نداشتن مشکل امنیتی به تابعیت ایران درمی‌آیند. این کودکان می‌توانند بعد از رسیدن به ۸۱ سالگی در صورت

بسیاری از فرزندان حاصل از ازدواج مادر ایرانی با مرد خارجی، از اتباع افغانستان هستند که سالیان درازی است در ایران زندگی می‌کنند، اما به آنان تابعیت داده

نمی‌شود. وضعیت اجتماعی آنان به چه شکل است و چرا تا این حد از طرف مردم مورد بی‌مهری و اذیت و آزار قرار می‌گیرند؟ همانطور که پیشتر ذکر گردید، ازدواج زن ایرانی با اتباع خارجه شامل زوج افغانستانی نیز می‌شود، عدم تابعیت ایرانی با دلایل مطرح‌شده در قبل، مشکلات عدیده‌ای را به وجود می‌آورد، برای مثال: فرزندان قادر نیستند به راحتی در مدارس ثبت نام کنند یا حضور عادی در جامعه داشته باشند.

اما فرزندان مادران ایرانی که همسر غیر ایرانی دارند نیز می‌توانند شناسنامه ایرانی داشته باشند. مادران ایرانی می‌توانند برای دریافت شناسنامه فرزند خود اقدام کنند، با این شرط که فرزند آنها زیر هجده سال باشد. فرزندان بالای هجده سال باید شخصاً برای دریافت شناسنامه درخواست دهند و در صورت عدم وجود مشکل امنیتی، شناسنامه خود را دریافت کنند.

چنانچه، فرد درخواست ورود به تابعیت جمهوری اسلامی ایران دارای یکی از شرایط زیر باشد، می‌تواند بدون رعایت شرط اقامت و با صلاحدید دولت، تابعیت ایران را دریافت نماید. این شرایط شامل موارد زیر است:

۱- در مواقعی که شخص به امور عام‌المنفعه ایران خدمت کرده و یا مساعدت قابل توجهی نموده باشد،
۲- دارای همسر ایرانی و یا فرزند از وی باشد،
۳- آن دسته از افرادی که دارای مقامات بالای علمی و متخصص در امور عام‌المنفعه باشند،
در نتیجه مطابق بند دوم مطلب فوق‌الذکر، فرزند متولد از زن ایرانی با تبعه افغانستانی می‌تواند با وجود شرایط ذکر شده، شناسنامه دریافت نماید.

از زمان تصویب قانون سال ۸۹۳۱ به مدت دوسال، ۴۱ هزار شناسنامه صادر شده است و ۷۳۱ هزار نفر، متقاضی دریافت شناسنامه هستند.

به نظر شما در حق فرزندان حاصل از ازدواج مادر ایرانی با مرد افغانستانی اجحاف نشده است؛ تا جایی که مطالباتی مبنی بر اخراج آنان در فضای مجازی شکل می‌گیرد؟ آیا می‌توان گفت برخی رفتارها با آنان در ایران، نژادپرستانه است؟

بحث اختلال نژادی در ازدواج زنان ایرانی با مردان افغانستانی، به ریشه ناسیونالیسم باستان‌گرا و شکلی از نژادپرستی اشاره دارد. این طرز تفکر، به جا مانده از دوره رضاشاه است که ایرانیان، نژادی برتر هستند و هر از گاهی در دیدگاه‌های برخی مسئولین بازتولید می‌شود، در حالی که مرزهای تعریف‌شده بین ایران، افغانستان و عراق آن‌قدر تازه و جدید است که به هیچ وجه نمی‌توان ایرانیان را از سرزمین‌های همسایه‌شان جدا کرد.

بحث دیگر، نگرانی از تهدید فرهنگی و تغییر بافت جمعیتی به‌ویژه در خراسان و سیستان بلوچستان است که ناکارآمدی نظام آموزش و پرورش، در پرورش افرادی متعهد به آرمان‌های ایران نیز، بر شکل‌گیری این دیدگاه تأثیر دارد. این دلیل مخالفت نیز ناشی از کمبود شناخت برخی تصمیم‌گیرندگان از کشورهای همسایه به خصوص افغانستان و شهرهای مرزی ایران است. حقیقت این است که روستانشین مرز ایران و افغانستان با فردی از هرات نزدیکی فرهنگی بیشتری دارد تا فردی از تهران، و این که یک تصمیم‌گیرنده پایتخت‌نشین نگران تهدید فرهنگی اختلاط مرزنشینان باشد، ناشی از کمبود شناخت او است.

چرا حکومت ایران، برخلاف بسیاری از کشورهای جهان، بحث اعطای تابعیت به فرزندان را به پدر و مادر تقسیم کرده است؟

چه تفاوتی در بینش مسئولان ایران با دیگر کشورها در این زمینه وجود دارد؟

ماده ۶۷۹ قانون مدنی در بند دوم به صراحت بیان کرده است که فردی که پدرش ایرانی باشد، هر کجا چه ایران و چه خارج از ایران به دنیا آمده باشد، ایرانی به حساب می‌آید. اما این صراحت درباره مادران ایرانی وجود ندارد و همین بی‌توجهی در ماده قانون ۶۷۹ به افرادی که مادران ایرانی دارند، شرایط سختی را برای آنها رقم می‌زند، چراکه دستگاه قضا، مجبور به تفاسیر فراقانونی از این ماده می‌شود که همین وضعیت مبهمی را برای سرنوشت این افراد به وجود می‌آورد.

هرچند بر اساس بند پنجم، نسل دوم مهاجران شاید بتوانند ایرانی به شما بیابند و نسل سوم آنها دیگر ایرانی هستند. با وجود اینکه این بندها با نص صریح در قانون مدنی وجود دارند، اما به دلایلی این مواد اجرا نمی‌شوند یا بهتر است بگوییم با ایجاد بوروکراسی‌ها و دست‌اندازها، افراد مشمول نمی‌توانند از آن بهره ببرند.

یکی از استدلال‌هایی که برخی نمایندگان مجلس که مخالف اعطای تابعیت به این فرزندان بودند عنوان می‌کردند، این بود که کودکان مادر ایرانی به عنوان تهدیدی مذهبی برای کشور به حساب می‌آیند.

هر چند که آمار از مذهب افراد بی‌شناسنامه وجود ندارد، اما از آنجایی که اکثر آنها در منطقه سیستان و بلوچستان هستند، برخی بر این باورند که که اعطای شناسنامه به این فرزندان، بافت مذهبی را تغییر می‌دهد. این مخالفت در زمان اصلاح قانون سال ۸۹ هم وجود داشت و موافقان در پاسخ می‌گفتند که چه به این افراد شناسنامه داده شود و چه داده نشود، این افراد ساکن کشور ایران هستند و اگر به آنان شناسنامه داده شود، تحت پوشش حاکمیت

درآمده و از جذب در سازمان‌های با تفکرات افراطی جلوگیری می‌شود.

دیگری، مساله کودک‌همسری است که به شکل دست‌آویزی برای مخالفت با اعطای تابعیت، مطرح می‌شود. که این بیشتر یک بهانه و پوشش برای سایر دلایل مخالفت به نظر می‌آید. چرا که کسانی که کودک‌همسری را مطرح می‌کنند، اگر واقعا دغدغه کودک‌همسری داشتند، برای تصویب قانون مربوط به آن پدیده تلاش می‌کردند. چرا که در بین ایرانی‌ها هم این مساله وجود دارد. مضاف بر این که با عدم اعطای تابعیت به فرزندان مادر ایرانی، آن دختر و زن ایرانی مجازات مضاعف می‌شوند. نه تنها پدیده کودک‌همسری رخ داده، بلکه فرزند متولدشده هم با محرومیت از داشتن شناسنامه، باری مضاعف بر دوش مادر ایرانی می‌شود.

عملا عدم اعطای تابعیت در سالیان گذشته، باعث نسلی‌شدن این نوع از فقر شده است. نکته دیگری که وجود دارد، این است که سن دختران و زنان ایرانی در تمامی این ازدواج‌ها زیر سن قانونی نیست و چرا باید کسی که ازدواجی صحیح دارد، از حقوق خود، منجمله انتقال تابعیت، محروم گردد؟

نگاه بیگانه‌انگار به این کودکان، نگاه امنیتی تهدیدمحور به پدران غیرایرانی آنها، نگرانی از افزایش مهاجرت، تاثیرگذاری بر انتخابات‌ها، افزایش ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی، کاهش فرآیندهای نظارتی دولت به دلیل ازدواج شرعی و کاهش توان نظارتی بر اساس ماده قانون ۰۶۰۱ مدنی و افزایش دوتابعیتی‌ها، از جمله سایر دلایل مخالفان است که باز هم بیشتر ناشی از عدم شناخت مساله است.

تنگناهای اصلی در بحث عدم اعطای تابعیت ایرانی به فرزندان حاصل از ازدواج

مادر ایرانی با مرد خارجی چیست؟ آیا خلاءهای قانونی وجود دارد، یا بیشتر به دیدگاه فقهی در این زمینه توجه می‌شود؟

علاوه بر عدم اعطای تابعیت ایرانی به فرزندان زنان ایرانی در ازدواج با اتباع خارجی، نقره‌داغ کردن این زنان به‌وضوح در تجربیات مختلف آنها در مواجهه با ادارات و مسئولان دیده می‌شود. شرایط در استان‌های شرقی مانند خراسان و سیستان و بلوچستان بسیار بدتر است و تقریباً هیچ شناسنامه‌ای صادر نمی‌شود، برخوردها مناسب نیست و حتی پس از صدور شناسنامه، از فرزندان آنها تعهد می‌گیرند که با ایرانیان ازدواج نکنند. حتی به پسران این زنان که هنوز شناسنامه‌ای هم دریافت نکرده‌اند، گفته می‌شود که اگر روزی هم شناسنامه بگیرند، حق ندارند با زن ایرانی ازدواج کنند؛ وگرنه باز هم ازدواج ثبت نمی‌شود. به فرزندان شناسنامه نمی‌دهند و باز هم تمام این مشکلات، بار دیگر برای نسل دیگرشان تکرار می‌شود. این تهدید و تعهد برای افرادی که تمام عمرشان را به دلیل نداشتن مدارک هویتی و با فشارهایی از این دست آزار دیده‌اند، بسیار جدی است.

اما از بررسی موضوع تابعیت در فقه و حقوق موضوعه این نتیجه حاصل می‌گردد که نهاد تابعیت، بیانگر رابطه‌ای مادی و معنوی بین فرد و حکومت است که یا از اصلیت فرد ریشه گرفته و یا بسته به دارا بودن شرایط قید شده در قانون، توسط فرد کسب و یا از طریق دولت به وی اعطاء می‌گردد. به موجب تابعیت، هم فرد و هم حکومت تعهداتی را در قبال یکدیگر بر عهده می‌گیرند. در فقه امامیه، ملاک تابعیت افراد در سرزمین‌های اسلامی بر دو اصل ایمان و پیمان استوار است، بنابراین از یک جهت در تفکر سیاسی اسلام، دولت اسلامی یا نظام اسلامی به سرزمین یا دولت ویژه‌ای تحدید نمی‌شود و هرکجا

مسلمین در آنجا مستقر شوند، قسمتی از جمعیت اسلامی را ایجاد می‌کنند.

از طرف دیگر، افرادی که در سرزمین، خارج از این دو معیار باشند، یعنی به دین اسلام ایمان نداشته و یا تحت عنوان ذمه، دارای کتاب و معتقد به توحید از نظام اسلامی قراردادی را امضاء نکرده باشند، از تابعیت و پشتیبانی حاکمیت اسلامی بهره‌مند نیستند. همچنین حقوق موضوعه ایران و سایر کشورها، با تأثیر از شرایط جامعه امروز و به منظور رعایت حقوق شهروندان خود، دو ملاک خاک و خون را بسته به اقتضاء شرایط خود به عنوان ملاک‌های اصلی اعطای تابعیت در نظر گرفته‌اند. هر یک از دو سیستم خاک و خون دارای معایب و مزایای مختص به خود بوده و هر کشوری با توجه به مصالح سیاسی، اقتصادی و اوضاع و احوال جغرافیایی خود برای وضع مقررات مربوط به تابعیت، یکی از این دو سیستم را انتخاب می‌نماید؛ یا حتی ممکن است تلفیقی از این دو سیستم انتخاب گردد. در راستای تحلیل فرضیه، باید عنایت داشت که نهاد تابعیت در فقه امامیه، یک رابطه اعتقادی بین فرد و حکومت است، در حالی که در حقوق موضوعه، رابطه مذکور بنا به مقتضیات زمان از حدود اعتقاد فراتر رفته و موارد متعددی را شامل می‌گردند که در صورت اعمال ملاک اعتقادی، بسیاری از افراد از دایره حمایت حکومتی خارج می‌مانند. برای مثال، افراد دارای اعتقادات سنتی همچون بودایی و هندویی و دیگر مذاهب که در قلمرو حکومت اسلامی زندگی می‌کنند، از لحاظ تابعیت در وضعیت بال تکلیف قرار خواهند گرفت، زیرا گرایش اعتقادی‌شان غیراسلام است و در قالب اهل ذمه، اهل کتاب نیز با حکومت اسلامی پیمانی را منعقد نموده‌اند.

حقوق ما

ما از عدالت سهمی داریم
دو هفته نامه الکترونیکی تخصصی حقوق بشر
صاحب امتیاز و مدیر مسئول:
سازمان حقوق بشر ایران / محمود امیری مقدم
سر دبیر این شماره: مریم غفوری
تماس با مجله: mail@iranhr.net